

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۳ مارچ ۲۰۲۳



محمد محق

طوق بیعت بر گردن طالبان بی رضایت

زمنه‌هایی وجود دارد که شماری از طالبان با پاره‌ای از تصامیم رهبری خود موافق نیستند و در حضور دیگران، به ویژه در صحبت با خارجی‌ها، ناخرسندی خود را از آن ابراز می‌کنند. آنان می‌ترسند که این تصامیم هم خشم مردم را افزایش دهد و هم فشار خارجی را و در نتیجه نظام طالبان سقوط کند. نگرانی از دست دادن منابع و امکانات هنگفتی که امروزه در اختیار مقام‌های طالبان قرار گرفته است، و این‌که تصامیم رهبرشان سبب از دست دادن این ناز و نعمت گردد سبب انتقادهای نرم از او گردیده است. این زمنه‌ها ریشه در انتقادات شماری از چهره‌های درشت‌تر طالبان دارد که بدون جرأت نام بردن از رهبر خود، به تکراری او اشارات تلویحی داشتند، اما نه به صورتی صریح که در معرض خشم قاطع وی قرار بگیرند.

در طرف دیگر، کسانی که محاسبات‌شان مبتنی بر خوش‌باووری‌های متکی به اوام و خیالات است این انتقادهای نرم و خجولانه را به فال نیک گرفته حساب‌های کلانی بر روی آن‌ها باز کرده‌اند. آنان گمان می‌کنند که این انتقادات غیر مستقیم مقدمه‌ای است برای در گرفتن جنگ قدرت در میان طالبان یا کودتائی نظامی که به خلع ملا هیت الله از قدرت یا حتی قتل او خواهد انجامید و در پی آن عناصر اصلاح‌طلب طالبان موفق خواهند شد عناصر افراطی‌تر را کنار زده، سپس در ائتلاف با دیگر نیروهای سیاسی، به تشکیل اداره‌ای جدید برای کشور با رویکردی غیر طالبانی تن خواهند داد. آنان از یاد برده‌اند که در گذشته اختلافات داخلی حزب خلق که حتی به قتل رهبر خلاق انقلاب هم انجامید نتوانست به تغییر رژیم منجر شود!

شکی نیست که در میان جناح‌های طالبان رقابت‌های داخلی و جنگ قدرت به شکل جدی جریان دارد و آنان در مسایل تکتیکی یکسان نمی‌اندیشند. جناح‌هایی که از دست یافتن به این‌همه پول و امکانات نوق‌زده‌اند، آماده هستند عقب‌نشینی‌های تکتیکی در زمینه مسایل زنان و اقدام‌های نمادین برای مشارکت ظاهری اقوام دیگر نشان بدهند تا راهی به مشروعیت یافتن رژیم طالبان و تداوم منافع کنونی شان در درازمدت هموار شود، در حالی که جناح متعهدتر این

گروه اولویت را به تقویت صفوف جنگجویان خود می‌دهد و شرطش این است که مواضع ایدئولوژیک شان مستحکم بماند و معامله‌گری با کشورهای دیگر آن‌چنان عریان نباشد که این جنگجویان انگیزه خود را برای قربانی دادن از دست بدهند.

یکی از مؤلفه‌هایی که در این محاسبات به صورت جدی در نظر گرفته نمی‌شود موضوع بیعت در منظومه فکری طالبان است. طبق فقه سنتی، هنگامی که با کسی به عنوان امیر بیعت صورت می‌گیرد سمع و طاعت از او واجب و مخالفت با او معصیت است. شکستن بیعت را در قرآن "نکث عهد" و در احادیث منسوب به پیامبر اسلام "عذر" می‌گویند که یکی از سه رکن عمده نفاق و از گناهان کبیره به شمار می‌رود. یکی از عوامل مهم برای استحکام صفوف طالبان جایگاه کانونی بیعت و اطاعت در آن است.

بیعت برای گروه‌های اسلام سیاسی، از اخوان المسلمین تا حزب تحریر، القاعده، داعش، و طالبان یکی از راه‌های مهم واداشتن نیروهایشان به اطاعت و دنباله‌روی است. پدیده بیعت ریشه در سنت‌های قبیله‌ئی کهن دارد که در آن فردیت انسان در برابر اراده قبیله و جمع نادیده گرفته می‌شود. در جهان مدرن انتخابات را جایگزین بیعت کرده‌اند تا فردیت انسان‌ها و استقلال رأیشان محفوظ بماند و کسی به اطاعت کورکورانه ناچار نباشد و بیعت‌شان طوق لعنتی بر گردن‌شان نشود که آنان را بدون قناعت و رضایت قلبی به سمع و طاعت وادارد.